

تأثیر مناطق آزاد بر تجارت بین‌المللی؛ مطالعه موردی منطقه آزاد کیش

بهمن احمدزاده^۱

کارشناس ارشد بازرگانی بین‌المللی، دانشگاه آجو، کره جنوبی

حیدر لطفی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱

چکیده

تجارت بین‌المللی عبارت است از روابط تجاری یعنی صادرات و واردات کالاها و خدمات بین کشورهای مختلف جهان. بیشتر اقتصاددانان معتقدند که تجارت، موتور رشد و توسعه در جوامع امروزی است. عوامل بسیاری تجارت بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهند از جمله راهبردهای اقتصادی کشورها (راهبرد جانشینی واردات (راهبرد درون‌نگر) و راهبرد توسعه صادرات (راهبرد برون‌نگر))، مقررات سازمان‌های بین‌المللی و نیز شرایط سیاسی بین‌المللی. در این میان یکی از مدل‌هایی که رابطه نزدیکی با تجارت بین‌المللی دارد ایجاد مناطق آزاد است. با توجه به اینکه اهداف اولیه ایجاد مناطق آزاد عبارت‌اند از؛ توسعه صادرات و تنوع بخشیدن به آن، ایجاد فرصت‌های شغلی، کسب درآمد ارزی، جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی، انتقال تکنولوژی پیشرفته، برقراری ارتباط سیستماتیک میان اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی. هدف اصلی این مقاله ارزیابی تأثیر مناطق آزاد بر تجارت بین‌المللی است. سؤال اصلی مقاله این است که آیا عملکرد مناطق آزاد تجاری به طور کلی و نیز منطقه آزاد تجاری کیش در تجارت بین‌المللی کشورمان مثبت بوده است؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع منطقه آزاد کیش به‌رغم داشتن زمینه‌ها و توان بالقوه برای توسعه و پیشرفت به دلیل ضعف امکانات و تأسیسات زیربنایی، عدم منابع تأمین درآمدها، عدم ثبات سیاسی، عدم جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، عدم جایگاه تعریف شده در برنامه‌های کلان و راهبردهای توسعه اقتصادی کشور، نتوانسته است تأثیر مثبتی بر تجارت بین‌المللی داشته باشد. این تحقیق یک تحقیق کاربردی و روش آن نیز اسنادی است. با عنایت به قدمت کوتاه ایجاد مناطق آزاد تجاری در جهان مطالعات نظری گسترده‌ای در این زمینه وجود ندارد. لذا بخش قابل توجهی از مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق از مقالات لاتین و آمار و اطلاعات مورد نیاز منطقه آزاد کیش نیز از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای و دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تهیه گردیده است.

واژگان کلیدی: تجارت بین‌المللی، مناطق آزاد، منطقه آزاد کیش.

مقدمه

بیشتر اقتصاددانان معتقدند که در جوامع امروزی تجارت، موتور توسعه است. آنان ادعا می‌کنند که تجارت بین‌المللی با توجه به انتقال دانش از کشورهای طرف تجاری، امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی بالقوه را به وجود می‌آورد و علائم روشنی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی سودآور و قابل رقابت در عرصه جهانی پدیدار می‌سازد. همچنین تجارت بین‌الملل یا باز بودن اقتصاد، می‌تواند از طریق دسترسی به بازارهای خارجی، بهره‌وری عوامل تولید و به تبع آن نرخ رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. تجارت بشر اولیه به صورت تهاوتر یعنی تعویض جنس با جنس صورت می‌گرفت و به این جهت احتیاجی به واسطه در امور بازرگانی وجود نداشت. هرکس محصول کار خود را با محصول دیگران معاوضه می‌کرد و چون اجتماعات بشری بسیار کوچک و احتیاجات و محصولات آن‌ها نیز بسیار محدود می‌بود، این طریق کاملاً رفع احتیاجات بازرگانی آن‌ها را می‌کرد. وقتی اجتماعات بشر بزرگ‌تر و محصول کار آن‌ها زیاده‌تر و متنوع‌تر شد، احتیاجات رو به فزونی نهاد و واسطه‌های تجاری پدید آمدند و مال‌التجاره را از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر حمل کردند. ولی مدت‌ها طول کشید تا بازرگانان در بین مردم یک شهر به داد و ستد بپردازند (The History and Future of International Trade, 2006). در این دوره، بزرگ‌ترین مسائل تجاری، خطرهای راه و گذشتن از موانع طبیعی بود. به واسطه وجود این خطرها فقط اجناسی معامله می‌شد که وزن کم و قیمت زیاد داشتند مانند ادویه، سنگ‌های قیمتی، پوست حیوانات، فلزات گران‌بها، ابریشم، چوب‌های پرارزش، پارچه و نظایر آن‌ها. اولین بازار داد و ستد جهان در سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد در چین به دست امپراتور شن نونگ گشوده شد. چینی‌ها در قدیم سرآمد تجار جهان بوده‌اند. سومری‌ها سال‌ها قبل از میلاد مسیح در سواحل دجله و فرات و بنادر غربی خلیج فارس تجارت منظم و مرتبی دایر کرده بودند و کشتی‌های تجاری آن‌ها در کلیه بنادر خاورمیانه رفت و آمد داشتند. قوانین تجاری راجع به حمل و نقل، حسابداری و خیانت در امانت نوشته بودند و برای کشتی‌ها بارنامه صادر می‌کردند. در یونان تجارت به درجات عالی‌تری رسید و بر خلاف دیگر کشورها تجارت داخلی رونق گرفت و تجار واردات و صادرات از بازرگانان داخلی جدا شدند. ارسال مسطوره جنس و توافق روی آن قبل از ارسال کالا از ابداعات یونانیان است. در قرون ۱۷ و ۱۸ تجارت بین‌المللی وضع دیگری به خود گرفت و مراکز بزرگ تجارت در اروپای غربی بخصوص آلمان فرانسه هلند و انگلستان به وجود آمد. بورس‌ها و بانک‌های عظیم و اعتبارات تجاری و راهنمایی حمل و نقل و دیگر تسهیلات تجاری مدرن در قرن نوزدهم و مخصوصاً در اواخر آن به وجود آمد. بر اساس نظریه‌های نوین تجارت بین‌الملل، پیشرفت اقتصادی هر کشور متکی به پیشرفت فنی و صنعتی است و این امر نیز در پرتو فعالیت‌های تحقیق و توسعه داخلی و سرریز دانش و فناوری بین‌المللی از طریق واردات کالا امکان‌پذیر می‌گردد. همچنین این نظریه‌ها بیان می‌کنند که سرریز دانش شرکای تجاری می‌توان همانند دانش و فناوری داخلی نقش اساسی در ارتقای بهره‌وری و رشد اقتصادی کشور ایفا کنند، زیرا تجارت بین‌الملل بستر لازم را برای دستیابی کشورها به محصولات واسطه‌ای و ماشین‌آلات و تجهیزات سرمایه‌ای، کپی‌سازی فناوری‌های خارجی و بومی‌سازی آن‌ها فراهم می‌کند (Helpman, 2012:p.2-8). بیشتر اقتصاددانان معتقدند که تجارت، موتور رشد و توسعه در جوامع امروزی است، کلاسیک‌ها معتقدند هر ملت می‌تواند در تولید یک یا چند کالا در سطح بین‌المللی، بر اساس هزینه، برتری

مطلق یا نسبی پیدا کند و از طریق مبادله آن به رفع نیازهای خود بپردازد. رابطه مبادله نیز از طریق ارزش اجتماعی، اقتصادی و همچنین میزان هزینه تولید تعیین می‌شود. آدام اسمیت بر اساس اصل تقسیم کار، تجارت آزاد را بهترین روش برای کشورها پیشنهاد نموده است. استدلال اسمیت بر این اساس بود که از طریق تجارت آزاد هر کشور می‌تواند در کالاهایی تخصص پیدا کند که در آن‌ها دارای مزیت مطلق است. دیوید ریکاردو تجارت بین‌الملل را در چارچوب نظریه ارزش کار، بررسی و نظریه هکشر-اوهلین دانشمندانی بودند که اساس نظریه جدید تجارت بین‌الملل را پی‌ریزی نمودند. آن‌ها معتقدند کشورهایی که از سرمایه فراوانی برخوردارند اقدام به صادرات کالاهای سرمایه‌بر و کشورهایی که از وفور نیروی کار برخوردارند اقدام به صادرات کالاهای کاربر کنند. در زمینه مباحث توسعه اقتصادی اغلب با دو دسته راهبردهای درون‌نگر و برون‌نگر به شرح زیر مواجه هستیم:

۱- راهبرد جانشینی واردات یا سیاست‌های درون‌نگر یا جهت‌گیری درون‌گرا، راهبردی برای توسعه اقتصادی مبتنی بر تأمین احتیاجات بازار داخل کشور با تولیدات داخلی است؛ به صورتی که این تولیدات به مرور جایگزین واردات گردند. این سیاست در دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح و در دهه ۱۹۶۰ میلادی اعتلا یافت و بسیاری از کشورها مانند آمریکای لاتین؛ سیاست صنعتی شدن جایگزینی واردات را به‌عنوان اصلی‌ترین روش حصول به رشد و توسعه اقتصادی اتخاذ کردند. عمده‌ترین هدف از انتخاب این راهبرد، رهایی از وابستگی وارداتی و رسیدن به خودکفایی است (Import Substitution Strategy Of Economic Development, 2016).

۲- از دهه ۱۹۷۰ میلادی تردیدهای زیادی درباره موفقیت سیاست جایگزینی واردات در حل مسائل توسعه کشورها ایجاد شد و موجب تقویت موضع اقتصاددانان کلاسیک و نوکلاسیک - که صادرات را علت رشد و توسعه اقتصادی می‌دانستند - گردید. توسعه صادرات معرف گرایش به آزادی در تجارت بین‌الملل است. منظور از راهبرد توسعه صادرات، صادرات محصولات غیر سنتی (اعم از کالاهای اولیه کشاورزی و معدن)، نیمه ساخته و کالاهای ساخته شده (محصولات کارخانه‌ای) است، به صورتی که جانشین سنتی کالاهای اولیه گردد. این تحقیق یک تحقیق کاربردی و روش آن نیز اسنادی است. با عنایت به قدمت کوتاه ایجاد مناطق آزاد تجاری در جهان مطالعات نظری گسترده‌ای در این زمینه وجود ندارد. لذا بخش قابل توجهی از مبانی نظری و روش‌شناسی تحقیق از مقالات لاتین و آمار و اطلاعات مورد نیاز منطقه آزاد کیش نیز از طریق اطلاعات کتابخانه‌ای و دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تهیه گردیده است (The National Export strategy has four planned Strategic Output, 2011: p.11-40).

رویکرد نظری

ما در حال زندگی در یک جهان منطقه‌ای شده هستیم. بازار داخلی اروپا، منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی^۱، همکاری‌های اقتصادی آسیا اقیانوسیه^۲ و یا بازار مشترک جنوبی^۳ اقتصاد سیاسی جهانی به مناطقی تقسیم شده است. این موارد به‌عنوان شواهدی از آنچه به نام منطقه‌گرایی جدید ذکر شد از اوایل دهه ۱۹۹۰، توجه و علاقه گسترده

^۱. NAFTA

^۲- APEC به سازمانی اقتصادی که متشکل از ۲۱ کشور منطقه آسیا و اقیانوس آرام است، اپک (سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه) گفته می‌شود.

^۳- MERCOSUR مرکوسور مخفف بازار مشترک جنوب است و تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین را در بر می‌گیرد. مرکوسور یک معاهده تجارت منطقه‌ای است که در سال ۱۹۹۱ بر اساس قرارداد اسونسیون (Asunción/Paraguay) میان کشورهای برزیل، آرژانتین، اروگوئه و پاراگوئه تأسیس شد.

جامعه دانشگاهی را جلب نموده و منجر به افزایش حجم مطالعات در زمینه‌های مختلفی شامل اقتصاد، جغرافیا، روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل و همچنین مطالعات هویتی و فرهنگی گردیده است. این روند در برابر پیش‌زمینه‌ای که تا آن زمان وجود داشته است و منطقه‌گرایی را یک موضوع مد روز نمی‌دانست که پس از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی موقعیت نسبتاً برجسته آن تنزل پیدا کرده بود قرار داشت. منطقه‌گرایی جدید تنها در مفهوم احیاء یا رنسانس تمایلات منطقه‌گرایی در قالب ایجاد نهادهای منطقه‌ای و اعلام بازگشت فرم قدیمی و شناخته شده این پدیده از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی جدید نیست. مهم‌تر از آن هدف و محتوا و یا منطق اساسی منطقه است که در حال تغییر است و در این روند در حال یک تحول بنیادین است. منطقه‌گرایی سنتی معمولاً با اقدامات حمایتی به اصطلاح لیبرالیسم پوشش یافته که ویژگی جهان پس از جنگ است مشخص می‌شود. با این حال، پدیده منطقه‌گرایی جدید به عنوان یک اقدام حمایتی ملاحظه می‌شود در حالی که در همان زمان با باز بودن (منطقه‌گرایی باز) همراه است. این نشان دهنده طبیعت متضاد و یا حتی متناقض منطقه‌گرایی جدید است و به سؤالی که اغلب در مورد رابطه بین منطقه‌گرایی جدید و جهانی‌شدن مطرح است مرتبط است. این پرسش از چند طریق پاسخ داده شده است: از منطقه‌گرایی به عنوان سنگ بنا بودن تا منطقه‌گرایی به عنوان مانع در رابطه با جهانی‌شدن. مطالعات نشان می‌دهد که منطقه‌گرایی جدید یا نشانه جهانی‌شدن و یا تلاش برای سوار شدن بر آن به منظور تنظیم نمودن و قانونمند نمودن و یا مقاومت در برابر آن است. آنچه که قابل توجه است این است که اغلب منطقه‌ای شدن و منطقه‌گرایی به جای هم استفاده می‌شوند و بنابراین سردرگمی و ابهام در تعاریف تا حد زیادی پدیده منطقه‌گرایی جدید را غامض نموده است. منطقه‌گرایی به رشد همگرایی اجتماعی درون یک منطقه و فرآیندهای اغلب غیر مستقیم تعامل اجتماعی و اقتصادی اشاره دارد (Hurrell, 1995:p. 334). در بعد اقتصادی، منطقه‌گرایی تقریباً به معنی خودمختاری و استقلال است، فرآیندهای تجربی خودجوش (فرآیندهای بازار مانند تجارت و جریان سرمایه خصوصی، استراتژی‌های شرکت‌ها مانند ادغام^۱، توسعه شبکه شرکت‌ها و اتحادهای استراتژیک) که در یک منطقه جغرافیایی خاص منجر به افزایش وابستگی متقابل اقتصادی منطقه‌ای و الگوهای منطقه‌ای از مبادلات اقتصادی می‌شود؛ بنابراین به اختصار: در واقع منطقه‌گرایی اشاره به آن دسته از فرآیندهای دارد که الگوهای ملموسی از تبادلات اقتصادی را در یک فضای جغرافیایی مشخص به وجود می‌آورد. (Hveem, 2000:p. 72)

از نظر اقتصادی شواهد تجربی‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد اقتصاد جهانی به طور فزاینده منطقه‌ای شده است: تجربه دهه ۱۹۹۰ میلادی از افزایش تراکم جریان تجارت منطقه‌ای (تجارت درون منطقه‌ای) حکایت دارد، به این معنی درصد صادرات و واردات کشورها از دیگر کشورهای درون منطقه افزایش یافته است (Tussie and Woods, 2000:p. 68). مطالعه منطقه‌ای شدن بایستی به تحقیق در مورد نقش تجارت در یک منطقه جغرافیایی خاص مانند استراتژی شرکت‌ها که جریان‌ات کالا و سرمایه را منطقه‌ای می‌کند و یا تصمیمات سرمایه‌گذاری در یک منطقه جغرافیایی خاص به نام منطقه پردازد. در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی شرکت‌های چندملیتی نقش بسیار مهمی در افزایش مبادلات فرامرزی بازی کرده‌اند (Ruigrok, 2000:p. 320). برای هویم منطقه‌گرایی مجموعه‌ای از ایده‌ها

^۱. acquisitions

است که معرف فضایی جغرافیایی یا اجتماعی شناخته شده به‌عنوان پروژه‌های منطقه‌ای است و یا حضور و ساخت آگاهانه هویتی است که نشان دهنده یک منطقه خاص است. این موضوع معمولاً با یک برنامه سیاسی که (اهداف مورد نظر) و استراتژی (ابزار و مکانیسم‌هایی لازم برای رسیدن به هدف) همراه است و به‌طور معمول به نهاد سازی نیز منجر می‌شود (Hveem, 2000:p. 72, emphasis in the original).

تعریف هویم^۱ منعکس‌کننده سه موضوع مشترک در متداول‌ترین رویکردهای منطقه‌گرایی است: تمرکز بر یک منطقه خاص جغرافیایی (منطقه)، یک پروژه خاص منطقه‌ای متصل به آن و نهادینه کردن از طریق مذاکرات مناطق آزاد تجاری و یا بازارهای مشترک به‌عنوان ترتیبات منطقه‌ای: طیف گسترده‌ای از سازمان‌های منطقه‌ای تشکیل شده از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد به آنچه منطقه‌گرایی جدید نامیده شده است تعلق دارد.

منطقه‌گرایی از زاویه‌ای شناختی عبارت است از: منطقه مجموعه‌ای از اعمال شناختی است که توسط زبان (ادبیات) و گفتمان سیاسی از طریق ایجاد مفاهیم، استعاره‌ها و قیاس‌ها چگونگی تعریف یک منطقه را تعیین می‌کند (Jayasuriya, 1994:p. 411, emphasis M.S). این دیدگاه اساساً منطقه‌گرایی را به‌عنوان یک ساختار شناختی می‌نگرد: دیدگاهی هنجاری از جهان به‌عنوان یک جهان منطقه‌ای شده؛ بنابراین، منطقه‌گرایی نه تنها به‌عنوان یک جهان‌بینی بلکه در مرحله دوم به‌عنوان گفتمانی سیاسی که در آن مفاهیم مختلف منطقه (منطقه‌گرایی‌ها) در حال ایجاد و رقابت هستند قابل درک است. اگر منطقه‌گرایی به‌عنوان یک جهان‌بینی و به‌عنوان یک گفتمان دیده شود ما می‌توانیم به منطقه‌گرایی‌های مختلف (تاریخی) در برهه‌های زمانی خاص، با تأکید بر فضاها و به وجود آمده توسط گروه‌های خاصی از بازیگران بیندیشیم.

اساساً رژیم‌هایی جهانی پولی، مالی و تجاری که چارچوب اقتصاد سیاسی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند پس از جنگ جهانی دوم چارچوبی نهادی برای نوع خاصی از نظم بین‌المللی را توسعه دادند که سعی در آشتی دادن اقتصاد جهانی باز با نقش فعال دولت در عرصه داخلی داشتند که روگی آن را لیبرالیسم پوشش یافته (۱۹۸۲ میلادی) نامیده است.

به‌عنوان یک نظم داخلی و بین‌المللی، مدل اقتصاد پوشش یافته با تنظیم محدودیت بر آزادی نیروهای بازار از طریق مداخله سیاسی (مانند محدودیت بر جریان سرمایه در کوتاه مدت در سیستم‌های برتون وودز، مقررات اجتماعی برای تضمین درآمد و غیره) مشخص می‌شود. این تعادل خاص بین سیاست و اقتصاد در سیستم بین‌المللی چندجانبه اقتصادی نهادینه شده است و در مداخله داخلی پیش‌بینی شده است: کینز در خانه و اسمیت در بیرون. با توجه به سیستم تجاری جهان، دهه‌ها تجارت حاصل ترکیبی خاص ازادسازی و حمایت بود. علاوه بر این، گات به صراحت ترتیبات منطقه‌ای تجارت را پذیرفته است (اتحادیه‌های خریداران و مناطق آزاد تجاری) طبق ماده ۲۴ از گات^۲ (و نسخه اصلاح شده آن در سازمان تجارت جهانی)، ذیل بخش چهارم گات مربوط به توسعه اقتصادی در سال ۱۹۶۵ میلادی و در بند مربوط به مذاکرات دور توکیو در سال ۱۹۷۹ میلادی (معافیت کشورهای در حال توسعه از بسیاری

^۱. Hveem

^۲. GATT

از تعهدات گات و اجازه دادن به آنها برای شرکت در تجارت ترجیحی میان خود و برای کسب ترجیحات از طرف کشورهای پیشرفته).

در نظریه انتقادی، جهانی شدن به عنوان بازگشت به آرمان شهر بازار یا بازار بدون پوشش و منعکس کننده رابطه بین اقتدار سیاسی و بازارها با تقویت موقعیت دومی نگریده می‌شود. این مسئله شامل تعریفی دوباره از نقش و یا منطق دولت با توجه به تغییر تعادل بین بازار و اقتدار سیاسی، با حرکت از دولت‌های رفاهی و یا حمایت‌گرا به سوی دولت‌های رقابتی می‌شود. منطق دولت رقابتی با تمرکز بر ابعاد داخلی، افزایش بازاری شدن به منظور انجام فعالیت‌های اقتصادی واقع در قلمرو ملی و یا کمک به ثروت ملی و اصطلاحات بین‌المللی و فراملی رقابتی‌تر در حال دنبال شدن است. در مقایسه با نقش دولت در لیبرالیسم پوشش یافته این مورد در واقع یک عقب‌نشینی دولت از بازار به حساب می‌آید. در اینجا، نیروهای بازار به طور فزاینده تبدیل به منابع مهم قدرت در اقتصاد سیاسی جهانی، در عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی شدند.

این است که نقش بازیگران تجارت جهانی به طور قابل توجه افزایش می‌یابد. اصطلاح بازیگر تجارت جهانی در اینجا به بازیگران شرکت‌های خصوصی که عملیات و یا دارایی‌های مولد در بیش از یک کشور را کنترل می‌کنند مانند شرکت‌های چندملیتی اطلاق می‌شود که اهمیتشان از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ میلادی به طور چشمگیری افزایش یافته است و به نحو فزاینده‌ای خارج از کنترل دولتی هستند. زیرساخت‌های سیاسی مورد حمایت نیروهای بازار متمایل به حمایت و ترویج حرکت بیشتر به سمت جهانی شدن هستند. جدای از آن، رژیم‌های بخش خصوصی و استراتژی‌های شرکتی مانند افزایش تعداد اتحادهای استراتژیک و سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌ها و همچنین تکامل شبکه‌های شرکتی، منابع حکمرانی را تشکیل می‌دهند. این روند با افزایش فعالیت‌های لابی‌گری تجاری در سطح بین‌المللی به طور عمده توسط انجمن‌های تجاری به نمایندگی از اعضای خود برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل بااهمیت برای صنعت همراه است. علاوه بر این، مواضع رسمی شرکت‌ها و انجمن‌های تجاری در ساختارهای سیاسی داخلی (مانند پانل‌های مشاوره صنعتی) و یا در نهادهای بین‌المللی (مانند اپک^۱ شورای مشورتی تجاری یا گروه مشورتی رقابت اتحادیه اروپا) بیشتر و بیشتر می‌شود. رهبران شرکت‌ها در فعالیت‌های خود، به طور فزاینده با خارج از بازار، در یک محیط اجتماعی دست به تعامل می‌زنند. نتیجه تکامل شرکت‌های چندملیتی ظهور تدریجی نخبگان مدیریتی بین‌المللی و با برگزاری جلسات در باشگاه‌های غیر رسمی و به طور عمده در سطح مدیران اجرائی است. نمونه‌هایی از چنین محافلی عبارت‌اند از: جامعه مون پلرین، کمیسیون سه جانبه، جلسات بیلدربرگ، یا گروه اوپان^۲.

محتوا و منطق اساسی منطقه‌گرایی در حال تغییر است: منطقه‌گرایی قدیمی در فرایند تبدیل شدن به منطقه‌گرایی جدید است. وقوع این رویداد به دلیل بازسازی اساسی رابطه بین قدرت سیاسی و بازار است که یکی از پرسش‌های مرکزی اقتصاد سیاسی بین‌الملل است. مقاله برای فهم این تغییر پیشنهاد می‌کند که به بازیگران تجاری به عنوان ایجادکنندگان مفاهیم و ایده‌های نظم نوین جهانی نگریده شود. در ادامه این گونه استدلال کرده است که محافل

^۱ APEC

^۲ -the Mont Pèlerin Society, the Trilateral Commission, the Bilderberg Meetings, or the Evian Group.

تجاری جهانی به‌عنوان طرفداران نوع خاصی از جهان منطقه‌ای شده عمل می‌کنند. در این فرایند، منطقه‌گرایی با منطق ذاتی بازار و در قالب مفاهیم و ایده‌های نیروهای در حال جهانی‌شدن ترکیب می‌شود. با افزایش فزاینده نقش بازیگران غیردولتی در اقتصاد سیاسی جهانی آن‌ها قادر به شکل دادن به روند بازاری کردن مناطق می‌شوند. در منطقه‌گرایی به‌عنوان گفتمان، این مفاهیم بازاری منطقه‌گرایی (مبارزه و رقابت) در درازمدت ممکن است مفاهیم غالب حمایت‌گری قدیمی‌تر ذاتی سبک قدیمی منطقه‌گرایی را تغییر دهند. در این معنا، منطقه‌گرایی (به‌عنوان یک جهان‌بینی) بخشی از جهانی‌شدن است. منطق بازار در منطقه‌گرایی جدید در اصل موضوع رقابت و باز بودن، ترویج ضرورت آزادسازی، خصوصی‌سازی و محدودیت مداخله عمومی در فرآیندهای اقتصادی است. تحت لیبرالیسم پوشش یافته منطق دولت، دولت رفاه بیان شده و در سطح منطقه‌ای هدف حمایت‌گرایی از تولیدات و منطق مناطق بود. اگر منطق دولت رفاه در لیبرالیسم پوشش یافته در منطقه‌گرایی آشکار شد، پس منطق جدید دولت رقابت (عقب‌نشینی دولت) به‌عنوان جانشین دولت رفاه ممکن است دوباره در سطح مناطق پدیدار شود: جهان منطقه‌ای شده تحت حمایت تجارت جهانی در هسته مناطق رقابت جهانی قرار دارد.

تعریف مناطق آزاد تجاری

در تعریف سازمان ملل متحد (یونیدو) از مناطق آزاد به‌عنوان «محرکه» در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی می‌گردد. همچنین در برداشت جدید از مناطق آزاد- که به منطقه آزاد پردازش صادرات معروف است- به ناحیه صنعتی ویژه ایدر خارج از مرز گمرکی که تولیداتش جهت‌گیری صادراتی دارند، گفته می‌شود. -فلسفه این اصطلاح را می‌توان در تغییر استراتژی واردات به استراتژی توسعه صادرات دانست. -قسمتی از قلمرو سیاسی یک کشور که کالای عرضه شده در آنجا از لحاظ ارتباط حقوق و عوارض ورودی مشمول نظارت‌های معمول گمرکی نمی‌شود. واردات کالا به مناطق آزاد از خارج تابع مقررات صادرات و واردات و امور گمرکی مناطق آزاد جمهوری اسلامی و مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی UCP500 بوده و از مقررات صادرات و واردات کشور مستثنی است (Guangwen, 2003:p.17).

به طور کلی مناطق آزاد را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: منطقه تجاری آزاد، قلمرو معینی است که غالباً در داخل یا مجاورت یک بندر واقع گردیده و در آن، تجارت آزاد با سایر مناطق جهان مجاز شناخته شده است. کالاها را می‌توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، از این منطقه خارج یا به آن وارد نمود.

تاریخچه مناطق آزاد

به دنبال افزایش تجارت بین مصر، یونان، سوریه، شمال آفریقا، آسیا و روم، جزیره «دلاس» در سال ۱۸۸۸ میلادی در دریای اژه، بدون دریافت حقوق و عوارض گمرکی راه اندازی شد و در همین راستا و موفقیت نسبی بنادر فوق، بنادر دیگری مانند «جنوا»، «ونیز» و «جبل الطارق» ایجاد شدند. اهداف تأسیس بندر هامبورگ آلمان تا حدود زیادی با اهداف مناطق آزاد در مفهوم امروزی تطابق دارد، هدف از تأسیس این بندر، تولید محصولات صنعتی اعلام شد؛ مشروط بر آنکه این تولیدات از رقابت با صنایع داخل کشور دوری کند. موفقیت چشمگیر بندر هامبورگ، ایجاد بنادر آزاد دیگری به خصوص در اروپا را رقم زد (Rasagam, 2014:p.8).

در واقع، مناطق آزاد مربوط به طراحی یک حومه صنعتی با هدف صادرات محصولات صنعتی توسط سرمایه‌گذاران خارجی یا داخلی یا مشارکت هر دو است. جذب سرمایه، صادرات، ایجاد اشتغال، تمرکززدایی و توسعه منطقه‌ای از اهداف این مناطق به شمار می‌رود. به طور کلی تفکر حاکم بر مناطق آزاد در قبل از جنگ دوم جهانی در انبارداری، انتقال کالا از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر، صدور مجدد کالا و در یک جمع‌بندی کلی در تجارت خلاصه می‌شد.

در قرن بیستم، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که بعد از اتمام جنگ جهانی دوم در تعدادی از کشورها برای توسعه صادرات و کمک به آزادسازی اقتصادی انجام گرفت، ایجاد مناطق آزاد در قالبی به‌روز بود. بعضی از مناطق جهان مانند سنگاپور، هنگ کنگ، کپنهاک در دانمارک و... با توجه به موقعیت خاص ارتباطی و بازرگانی خود به‌عنوان مناطق آزاد مطرح شدند، اما ایجاد منطقه آزاد بر اساس مفاهیم جدید، با آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی برای اولین بار در بندر شانون در ایرلند صورت گرفت و به همین دلیل مبدأ ایجاد مناطق آزاد نیز به شمار می‌رود؛ چرا که برای اولین بار جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی و ایجاد اشتغال که از اهداف مهم تأسیس مناطق آزاد در کشورهای در حال توسعه است - در این بندر مورد توجه قرار گرفته بود.

بررسی سوابق و نمونه‌های ایجاد این قبیل مناطق در جهان که از آن‌ها به منطقه آزاد^۱ یا صادرات آزاد^۲ تعبیر می‌شود، بیانگر آن است که در دهه هفتاد میلادی ایده ایجاد این مناطق با هدف جذب و جلب سرمایه از سایر مناطق و تسهیل و تسریع صادرات و واردات، طراحی و عملیاتی شد.

از این رو، روزبه روز بر تعداد مناطق آزاد تجاری در دنیا افزوده شده است؛ به طوری که در اواخر دهه ۱۹۶۰ تنها ۱۰۰ منطقه آزاد تجاری در دنیا وجود داشت اما در پایان دهه نخست قرن بیست و یکم، تعداد آن‌ها به حدود ۸۵۰ منطقه آزاد در سراسر جهان از آمریکای شمالی تا آفریقا، آسیا و منطقه کارائیب رسید. از این میان، ۳۲۰ منطقه آزاد تجاری در آمریکا و مکزیک و ۲۲۵ منطقه در آسیا (به‌جز چین) وجود داشت. در همین زمان، در کشور چین نیز ۱۸۰ منطقه آزاد در حال فعالیت بود که حدود نیمی از صادرات آن از طریق مناطق آزاد این کشور صورت می‌گرفت. اولین منطقه صادرات در آسیا «کاندلا» نام داشت که در سال ۱۹۶۵ میلادی در هند تأسیس شد. اندکی بعد تایوان در سال ۱۹۶۶ میلادی به ایجاد منطقه پردازش «کائونسینگ» و کره جنوبی در سال ۱۹۷۰ به تأسیس منطقه پردازش صادرات «ماسان» مبادرت کردند. سهم فیلیپین ۳۵ منطقه آزاد، اندونزی ۲۶ منطقه، امارات متحده عربی ۹ منطقه و حوزه کارائیب نیز ۵۱ منطقه آزاد در سال ۲۰۱۰ میلادی بود (Free Trade Zone and Port Hinterland Development, 2005: p.5-8).

مناطق آزاد در حال حاضر به‌عنوان یک استراتژی سریع به منظور تحقق اهداف برنامه‌های توسعه ملی در کشورهای جهان مطرح هستند. در دو دهه اخیر با رشد سریع «مناطق پردازش صادرات» به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نقش و جایگاه مناطق آزاد عموماً به‌عنوان یک موضوع مهم در بحث سیاست‌های راهبردی و به‌ویژه به‌عنوان ابزاری

^۱. Free Zone

^۲. Free Export

کارا جهت توسعه ملی و منطقه‌ای مطرح بوده است. مناطق آزاد به‌عنوان پلی برای اتصال به اقتصاد جهانی و سازمان تجارت جهانی^۱ مطرح هستند.

ایجاد و کسب درآمد ارزی، جذب سرمایه‌های خارجی و انتقال تکنولوژی، ایجاد اشتغال، تربیت نیروی انسانی، ارتقای مهارت‌های شغلی و مدیریتی، ایجاد پیوندهای صنعتی بین صنایع مناطق پردازش و نفوذ در بازارهای خارجی از جمله شاخص‌های ارزیابی موفقیت مناطق آزاد به‌شمار می‌روند. از جمله اهداف ایجاد مناطق آزاد می‌توان به جلب سرمایه‌های خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کسب درآمدهای ارزی و افزایش صادرات، دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تورم و محرومیت زدایی از مناطقی که امکان رشد و توسعه را به‌طور بالقوه دارند، اشاره کرد.

تأسیس مناطق آزاد صنعتی - تجاری یا مناطق آزاد پردازش صادرات در کشورهای در حال توسعه صنعتی جهان سوم از جمله پدیده‌های اقتصادی یک ربع قرن اخیر اقتصاد بین‌المللی است. هدف از برپایی این مناطق - اعم از آن‌ها که موفق بوده‌اند و آن‌ها که به توفیق زیادی دست نیافته‌اند - زمینه‌سازی جهت فراهم ساختن شرایط مناسب برای افزایش تولید و صدور کالاهای صنعتی از طریق راه‌یابی به بازارهای جهانی بر اساس اصول رقابت آزاد بوده است (Free Trade Zone Study, 2008:p.2-3).

از مناطق آزاد کاملاً موفق می‌توان به منطقه آزاد هامبورگ در آلمان اشاره کرد. در آسیا نیز تنها مناطق آزاد هنگ کنگ و سنگاپور کاملاً موفق بوده‌اند و اگر مالزی، تایوان و کره جنوبی را نیز که تا حدودی موفق به جذب سرمایه، تکنولوژی و مدیریت کشورهای پیشرفته صنعتی شده‌اند، بتوان موفق در نظر گرفت، تنها پنج منطقه پردازش صادرات آسیایی قرین توفیق بوده‌اند. منطقه آزاد جبل علی امارات نیز هنگامی موفق قلمداد می‌شود که نسبت سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی به سرمایه‌گذاری تولیدی مورد قضاوت قرار نگیرد (Free Trade Zone Study, 2008:p.5-39).

در ادبیات بین‌المللی اقتصادی و گزارش‌های سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی در مورد علل ناکامی بعضی از مناطق آزاد، عوامل متعددی را فهرست می‌کنند که عوامل زیر از جمله مهم‌ترین آن‌ها شمرده می‌شود:

- مکان‌یابی نادرست؛ فضای نامساعد برای جذب سرمایه خارجی؛ بی‌ثباتی سیاسی و ضعف قدرت مرکزی در اتخاذ تصمیم‌های اساسی؛ ضعف مدیریت منطقه آزاد (وجود بوروکراسی، فساد مالی، تورم کارمند، دخالت‌های بی‌مورد عوامل خارج از منطقه آزاد، وجود قوانین و مقررات دست و پا گیر و...)؛ کمبود آموزش نیروی کار و بازده اندک نیروی انسانی (گرانی نیروی کار)؛ هزینه تأسیسات زیربنایی و سرمایه‌گذاری‌های بی‌مورد؛ ضعف تعمیر و نگهداری تأسیسات و امکانات زیربنایی و ناکارایی عملیاتی؛ کمبود امکانات مالی و نقدینگی؛ کمبود ارتباطات و ضعف خدمات‌دهی و خدمات‌رسانی و بالاخره ناآگاهی از اینکه سرمایه خارجی فاقد ملیت است و به مجرد احساس ناامنی و کم‌بازدهی، منطقه آزاد را ترک کرده و به فضای امن‌تری نقل مکان خواهد کرد (Rafie Asa and Jahed, 2012:p.1-6).

^۱. World Trade Organization

تجربه تأسیس مناطق آزاد در قاره آسیا نشان داده است که ایجاد این مناطق در کشورهای دارای فضای سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و مقید به رعایت تشریفات زائد گمرکی، ارزی، اداری و سایر ضوابط و مقررات دست و پاگیر حداقل به‌عنوان ابزار آزمایشی توانسته برای توجیه رفع موانع ضد توسعه‌ای به کار گرفته شده و دانش و مهارت‌های جدید قابل توجهی از طریق مناطق آزاد کسب شود.

کشورهای در حال توسعه‌ای که به ایجاد منطقه آزاد روی آورده‌اند بر این باورند که منطقه آزاد می‌تواند یاری دهنده آنان در رهایی از فقر و عقب‌ماندگی باشد. تجربیات این کشورها نشان می‌دهد که مجموعه عواملی چون برخورداری از صلح و آرامش، برخورداری از روابط بین‌المللی کم‌تشنج و نیز رعایت تعهدات بین‌المللی، برخورداری از ثبات داخلی و تمرکز سیاسی و ثبات در قوانین و مقررات، برخورداری از اجماع نظر در زمینه هدف‌های ایجاد و گسترش مناطق آزاد و حمایت همه‌جانبه دولت، برخورداری از موقعیت مکانی درست، پذیرفتن هدف‌های آزادسازی اقتصادی و مالکیت خصوصی و ضرورت کاهش مداخلات دولتی در امور اقتصادی به لحاظ رعایت اصل عرضه و تقاضا در مبادلات اقتصادی، برخورداری از قوانین و مقررات بدون ابهام در مورد حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی و نیز برخورداری از یک سیستم اداری فاقد جنبه‌های بوروکراتیک در منطقه آزاد و رها از دخالت‌های عوامل خارج از منطقه، برخورداری از قوانین و مقررات گمرکی ساده و فاقد جنبه‌های دست و پاگیر در منطقه و مواردی دیگر را پیش‌نیازها و داده‌های اصلی موفقیت مناطق آزاد را تشکیل می‌دهد و فقدان هر یک از آن‌ها می‌تواند توفیق در این زمینه را با موانع جدی مواجه سازد (Foradori and Malin, 2013:p. 14).

در حقیقت نقش اصلی مناطق آزاد در کشورهای بزرگی چون هند، چین، ایران و مانند آن‌ها، تغییر تفکر اقتصادی در این کشورها و همسویی اقتصاد ملی آن‌ها با اقتصاد جهانی است. چین و تا حد زیادی هندوستان نمونه بارز این تغییر تفکر هستند. این دو کشور از ابزار منطقه آزاد به خوبی در راستای بازگشایی اقتصاد خویش بهره گرفته‌اند و توانسته‌اند با تغییر قوانین و مقررات در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد فضای مناسب توسعه از تکنولوژی و علم دیگران بهره‌گیرند و با افزایش تعداد مناطق آزاد با سرعت بیشتری فضای درونی اقتصاد ملی را تغییر دهند و قوانین و مقررات و سیاست کلی اقتصادی را با شرایط اقتصاد جهانی هماهنگ و هم‌جهت سازند.

چین طی سال‌های اخیر با اعمال سیاست باز اقتصادی کوشش وافر در ایجاد محیط مناسب سرمایه‌گذاری خارجی مصرف کرده و با وجود مالکیت دولتی با اعمال سیاست آزادسازی و به کارگیری ابزار منطقه آزاد اقتصاد خود را جهش داده و اصلاحات گسترده‌ای را در آن به عمل آورده است. راز موفقیت چین را باید در وحدت تصمیم‌گیری و حمایت قاطع دولت چین از اصلاحات اقتصادی که همسو و هماهنگ با اهداف مناطق آزاد است دانست.

تفاوت مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری

به محدوده جغرافیایی مشخص که قوانین گمرکی محدوده گمرکی کشور در آن اجرا نمی‌شود و به منظور تسهیل در امر واردات و صادرات کالا و حمایت از صنعت داخلی کشور و همچنین جذب فناوری‌های نوین در امر تولید و توسعه منطقه‌ای در مبادی گمرکات و نقاط مرزی کشور ایجاد می‌شود را مناطق ویژه تجاری-صنعتی می‌نامند.

برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های مناطق آزاد و ویژه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: الف- معافیت مالیاتی به مدت ۱۵۵ سال در مناطق آزاد وجود دارد و در مناطق ویژه اقتصادی تخفیف مالیاتی طبق مقررات داخل کشور است.

ب- خرده فروشی کالا در مناطق ویژه اقتصادی فقط برای اتباع خارجی امکان‌پذیر است. لیکن در مناطق آزاد خرده فروشی برای اتباع خارجی و داخلی امکان‌پذیر است.

ج- مقررات روادید برای اتباع خارجی در مناطق ویژه بر اساس ضوابط داخل کشور است ولی در مناطق آزاد روادید در مرزهای ورودی اعطاء می‌شود.

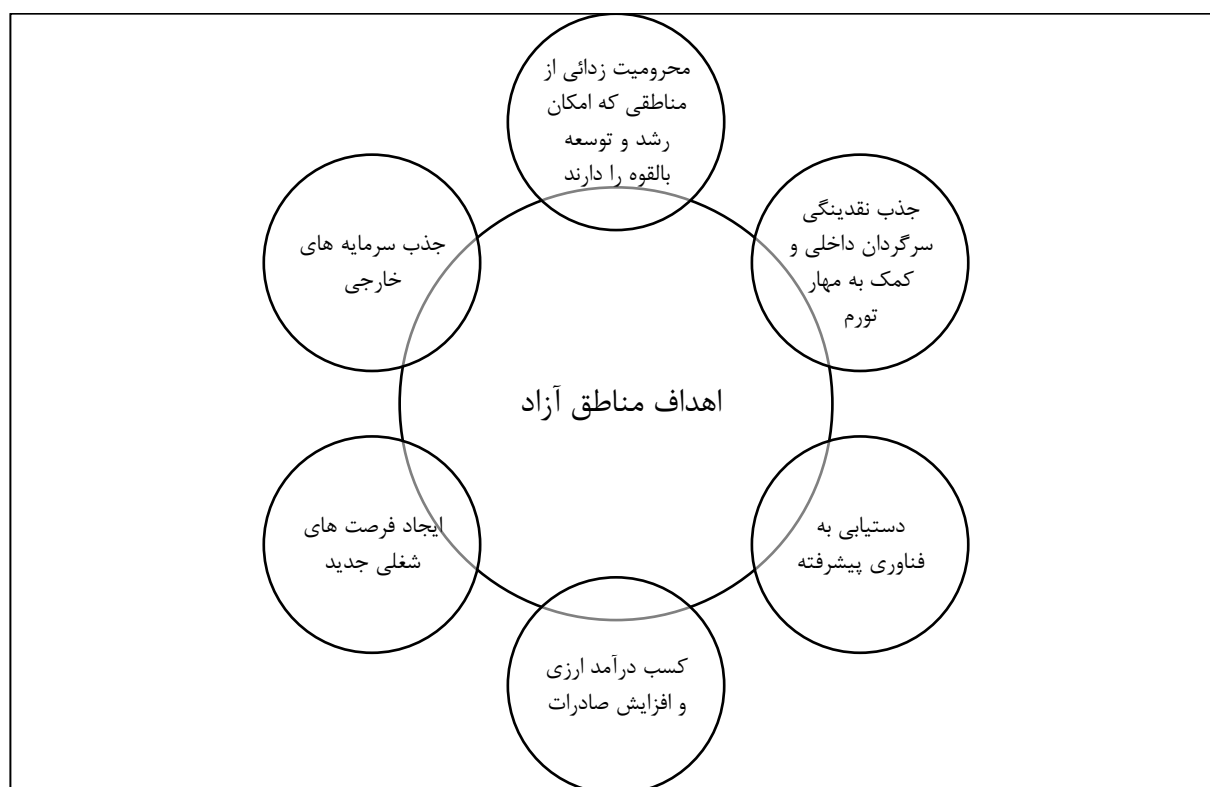
د- مقررات کار و بیمه اجتماعی در استخدام اتباع خارجی در مناطق آزاد تابع مقررات خاص مناطق است ولی در مناطق ویژه اقتصادی تابع مقررات داخل کشور است.

جدول شماره ۱- تفاوت مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی

ردیف	مناطق ویژه اقتصادی	مناطق آزاد تجاری	توضیحات
۱	معاف از مالیات و عوارض	معاف از مالیات و عوارض	واردات کالا از خارج
۲	معاف از مالیات و عوارض	معاف از مالیات و عوارض	صادرات مجدد کالاها به خارج
۳	در صورت صدور کالا، تابع مقررات عمومی صادرات و واردات در سرزمین اصلی است	در صورت صدور کالا، تابع مقررات عمومی صادرات و واردات در سرزمین اصلی است	کالاهای (قطعات) مجزا و مواد خام وارد شده به مناطق از سرزمین اصلی
۴	تابع مقررات عمومی صادرات - واردات به سرزمین اصلی است	تابع مقررات عمومی صادرات - واردات به سرزمین اصلی است	واردات کالاهای خارجی به سرزمین اصلی
۵	معاف از مالیات و عوارض، تنها هزینه‌های انبارداری و خدماتی پرداخت می‌شود	معاف از مالیات و عوارض، تنها هزینه‌های انبارداری و خدماتی پرداخت می‌شود	تخلیه، بارگیری، ترانزیت و ترانشیپ کالاها به خارج
۶	تابع مقررات حاکم بر سرزمین اصلی	تابع مقررات خاص حاکم بر مناطق آزاد	ثبت شرکت‌ها، مالکیت‌های معنوی و صنعتی
۷	فروش/ اجاره به ایرانیان و اجاره به خارجیان	فروش/ اجاره به ایرانیان و اجاره به خارجیان	بهره‌برداری از زمین
۸	تابع نرخ مبادله ارز در بانک‌های داخلی	تابع نرخ مبادله ارز بازار منطقه آزاد	نرخ مبادله ارز
۹	صدور به وسیله سازمان منطقه	صدور به وسیله سازمان منطقه	گواهی مبدأ
۱۰	غیرمجاز	مجاز	خرده فروشی
۱۱	تنها فعالیت بانک‌های داخلی پذیرفته شده است	مورد تأیید قانون است	عملیات بانکی به وسیله بخش خصوصی
۱۲	تابع قوانین سرزمین اصلی است	مورد تأیید و پذیرش قانون است	عملیات بیمه توسط بخش خصوصی
۱۳	به وسیله قانون «جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی» پذیرفته و مورد حمایت است	به وسیله قانون «جلب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی» پذیرفته و مورد حمایت است	سرمایه‌گذاری خارجی

۱۴	تا ۱۰۰٪ صاحبان سهام	تا ۱۰۰٪ صاحبان سهام	درصد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی
۱۵	قبل از ورود نیاز به اخذ ویزا است. درخواست‌ها باید پذیرفته، تأیید و تحویل وزارت خارجه شود	برای ورود نیازی به اخذ ویزا نیست. ویزا هنگام ورود به مناطق صادر می‌شود	ورود به مناطق
۱۶	تابع مقررات حاکم بر مناطق	تابع مقررات حاکم بر مناطق	مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین انسانی

Source: <https://www.quora.com/What-is-the-difference-between-SEZ-and-FTZ>



نمودار شماره ۱- اهداف مناطق آزاد

Source: Madani, 1999

مناطق آزاد ایران

اندیشه تأسیس و راه‌اندازی مناطق آزاد در ایران در دهه ۱۳۳۰ شکل گرفت. در آن سال‌ها با توجه به وجود مشکلات ناشی از فقدان تسهیلات و تأسیسات مورد نیاز برای نگهداری کالاهای وارده به کشور، در بنادر جنوبی ضرورت ایجاد مناطق آزاد در کشور احساس می‌شد. با وقوع انقلاب اسلامی ایران، جزیره کیش به‌عنوان اولین منطقه تجارت آزاد ایران تعیین و در سال ۱۳۶۸ بر اساس برنامه پنج‌ساله اول توسعه به دولت اجازه داده شده تا در سه نقطه مرزی کشور اقدام به تأسیس مناطق آزاد تجاری صنعتی کند (GilaniNia and others, 2013:p. 1-5).

در ماده یک قانون چگونگی اداره مناطق آزاد هدف از تشکیل این مناطق را: تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی و رشد و توسعه اقتصادی، انجام سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش درآمدهای عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و مناطق تولید و صادرات کالا عنوان نموده

است. بخشی از مزیت‌های قانونی مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران عبارت‌اند از: آزادی ورود خروج سرمایه، معافیت مالیاتی تا پانزده سال، تضمین کامل سرمایه‌های خارجی، امکان ترانزیت، امکان مشارکت سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، معافیت گمرکی برای ورود کالای ساخته شده در منطقه به داخل کشور، امکان ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی به منطقه، امکان خرده‌فروشی کالا، امکان ورود اتباع خارجی از طریق مبادی ورودی.

منطقه آزاد کیش^۱

جزیره کیش که به مروارید خلیج فارس مشهور است با مساحتی حدود ۹۱ کیلومتر مربع در هیجده کیلومتری کرانه جنوبی سرزمین ایران قرار دارد. این جزیره از نظر تقسیمات سیاسی، جزئی از شهرستان بندر لنگه در استان هرمزگان محسوب می‌شود و از لحاظ وسعت بعد از جزیره قشم، مقام دوم را در خلیج فارس دارا است. در اواخر سال ۱۳۷۹ بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت جزیره کیش ۱۶۵۰۱ نفر برآورده شده است. نتایج سرشماری سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد ۱۳۵۹۳ نفر یا حدود ۹۳ درصد جمعیت کیش را افرادی تشکیل می‌دهند که طی ده سال اخیر به جزیره مهاجرت کرده‌اند (Hakimian, 2009: p.3-24).



نقشه شماره ۱- موقعیت جزیره کیش

Source: <http://www.economist.com>

^۱. Kish Free Zone

می‌کردند و تجارت را یک بازی مجموع صفر تلقی می‌کردند که به زبان یکی و به نفع دیگری است (Sen, 2010: p.2-24).

در توجیه اقتصادی تجارت، اولین قدم را آدام اسمیت برداشت. آدام اسمیت مبنای تحلیل از اقتصاد و تجارت را بر تقسیم کار و تخصص نهاد. وی بیان کرد؛ تقسیم کار جهانی هزینه تولید را کاهش و باعث تخصیص بهتر منابع می‌شود؛ بنابراین به جای آنکه ملت‌ها به خودکفایی ادامه دهند یا برای رسیدن به آن تلاش کنند به نفع آن‌ها است تا از تولید کالاها و خدماتی که آن‌ها را گران‌تر از دیگران تولید می‌کنند صرف‌نظر کنند. مفهوم برتری مطلق بر این اساس است که یک کشور باید کالاهایی را تولید و صادر نماید که بتواند تولید آن را به صورت مطلق و با هزینه کمتری نسبت به تولید همین کالا در کشور دیگر صورت دهد. این تقسیم کار به نفع هر دو کشور درگیر در تجارت است، زیرا که مزایای تقسیم کار و تخصص، تولید بیشتر و کم هزینه‌تر هر دو محصول را میسر می‌سازد (Sen, 2010: p.2-24).

بر اساس برآوردهای آنکتاد و سازمان تجارت جهانی، صادرات جهانی کالا در سال ۲۰۱۴ میلادی (بر مبنای قیمت‌های فعلی) ۰/۶ درصد افزایش یافته و به ۱۹ تریلیون دلار رسیده است. اقتصادهای توسعه یافته با افزایش یک درصدی بالاترین رشد اقتصادی سالانه را به ثبت رسانده‌اند و پس از آن‌ها کشورهای در حال توسعه با ۰/۷ درصد رشد سالانه در رده دوم قرار دارند. این در حالی است که صادرات اقتصادهای در حال گذار ۵/۵ درصد کاهش داشت. کشورهای کمتر توسعه یافته نیز رشد منفی ۱/۵ درصدی صادرات را شاهد بودند (<http://unctad.org>).

جدول شماره ۲- عملکرد مناطق ویژه اقتصادی در چین در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ میلادی

سال	جمعیت (میلیون نفر)	تعداد شاغلین (میلیون نفر)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) (میلیون دلار)	صادرات (میلیون دلار)
۱۹۸۰	۱۰/۱	۴/۵	۴۳/۲	۴۱۵/۶
۱۹۸۵	۱۱/۶	۵/۵	۳۵۴/۴	۱۰۱۹
۱۹۹۰	۱۳/۶	۷	۷۶۲/۸	۱۰۷۳۳
۱۹۹۵	۱۷/۶	۹/۹	۵۱۲۱/۶	۲۹۵۵۲
۲۰۰۰	۲۲/۵	۱۲	۴۴۱۰	۴۷۴۸۸
۲۰۰۶	۲۵/۳	۱۴/۹	۵۴۶۵/۷	۱۶۸۶۴۰

Source: (<http://unctad.org>)

جدول شماره ۳- عملکرد اقتصادی منطقه آزاد جبل علی امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۰ میلادی

استقرار بیش از ۶۵۰۰ شرکت در منطقه
اشتغال بیش از ۱۳۸۱۸۸ نفر در منطقه
تجارت ۶۸/۶ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۹ میلادی
دارا بودن سهم ۴۰ درصدی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

Source: <http://jafza.ae>

طی سال‌های ۲۰۰۵ میلادی لغایت ۲۰۰۶ میلادی حدود ۵ میلیارد دلار از مجموع صادرات ۱۰۲/۷ میلیارد دلاری هند (حدود ۵ درصد) از طریق مناطق ویژه اقتصادی این کشور صورت گرفته است. در سال ۲۰۱۴ میلادی ۲۶ درصد از صادرات این کشور و ۴ درصد از اشتغال کشور هند به مناطق آزاد تجاری کشور مذکور اختصاص داشته است.

جدول شماره ۴- صادرات مناطق ویژه اقتصادی هند در طول سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میلادی

سال	ارزش صادرات (میلیارد دلار)	سهم از مجموع صادرات کشور (درصد)
۲۰۰۴	۲/۸	۴/۷
۲۰۰۵	۳/۷	۴/۹
۲۰۰۶	۴/۶	۵
۲۰۰۷	۷	۶/۱
۲۰۰۸	۱۳/۵	۱۰/۲
۲۰۰۹	۲۰/۳	۱۱/۹
۲۰۱۰	۴۴/۹	۲۶

Source: (Trade unions special economic zones in India, Pallavi Mansingh and others, march 2012

در سال ۲۰۱۰ میلادی ۹۰ درصد از مجموع صادرات کشور مالزی و ۱۰ درصد از صادرات محصولات الکترونیکی این کشور از منطقه آزاد پنانگ صورت گرفته است.

در سال ۲۰۰۶ میلادی مناطق ویژه اقتصادی در مالزی در مجموع ۷۲ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور مالزی، ۸۳ درصد از صادرات این کشور و ۵ درصد از اشتغال کشور مالزی را به خود اختصاص داده بودند. در سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۵ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ در کشور فیلیپین ۴۹ درصد از صادرات این کشور و ۲ درصد از اشتغال در کشور مذکور به مناطق ویژه اقتصادی این کشور اختصاص داشته است.

جدول شماره ۵- عملکرد مناطق ویژه اقتصادی فیلیپین (صادرات) در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ میلادی

سال	صادرات محصولات صنعتی (میلیارد دلار)	تعداد شاغلین (نفر)
۲۰۰۰	۲۰	۲۷۸۴۰۷
۲۰۰۱	۱۹/۵	۲۸۹۵۴۸
۲۰۰۲	۲۲/۷	۳۲۸۳۸۴
۲۰۰۳	۲۷/۲	۳۶۲۸۵۱
۲۰۰۴	۳۰/۷	۴۰۶۷۵۲
۲۰۰۵	۳۱/۶	۴۵۱۲۷۹
۲۰۰۶	۳۵/۱	۵۴۵۰۲۵
۲۰۰۷	۳۶/۹	۵۹۳۱۰۸
۲۰۰۸	۳۷/۹	۶۰۸۳۸۷
۲۰۰۹	۲۸/۹	۶۱۱۰۵۸

Source: <http://training.itcilo.it>

در سال ۲۰۰۷ میلادی سهم مناطق ویژه اقتصادی کره جنوبی از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در این کشور معادل ۲۸ درصد و سهم این مناطق از مجموع صادرات این کشور معادل ۱۱ درصد بوده است. در این سال تعداد ۱۳۰۰۰ نفر در مناطق ویژه کره جنوبی مشغول به کار بوده‌اند.

صادرات از مناطق آزاد به خارج از کشور از سال ۱۹۸۷ میلادی که اولین مناطق آزاد در ترکیه عملیاتی شدند روندی افزایشی داشته است. صادرات از مناطق آزاد این کشور در سال ۲۰۱۱ میلادی معادل ۶/۹ میلیارد دلار (حدود ۵/۱ درصد از مجموع صادرات ترکیه) بوده است. آمار نشان می‌دهد که اثر مناطق آزاد ترکیه بر افزایش صادرات و میزان موفقیت این مناطق در ارتقای تولید صادرات گرا محدود بوده و علی‌رغم هدف مناطق برای هدایت بنگاه‌ها به سمت صادرات مقصد اصلی فروش این بنگاه‌ها ترکیه بوده است.

^۱. FDI

جدول شماره ۶- عملکرد مناطق آزاد ترکیه در طول دوره ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۱ میلادی (میلیون دلار)

سال	واردات سرزمین اصلی از مناطق آزاد	صادرات از مناطق آزاد به خارج از ترکیه
۱۹۸۸	۵۴	۲۱
۱۹۸۹	۳۸	۲۹
۱۹۹۰	۱۱۹	۲۱
۱۹۹۱	۱۸۲	۶۰
۱۹۹۲	۲۱۰	۹۵
۱۹۹۳	۳۳۴	۱۷۸
۱۹۹۴	۷۰۲	۳۲۲
۱۹۹۵	۹۶۹	۵۴۳
۱۹۹۶	۱۲۴۳	۵۷۶
۱۹۹۷	۲۰۸۹	۷۶۱
۱۹۹۸	۳۰۰۵	۱۰۲۲
۱۹۹۹	۳۱۹۴	۱۰۶۴
۲۰۰۰	۴۷۴۸	۱۱۷۴
۲۰۰۱	۳۰۶۰	۱۴۷۲
۲۰۰۲	۳۷۲۹	۲۲۵۷
۲۰۰۳	۵۴۰۶	۳۴۴۵
۲۰۰۴	۷۴۶۵	۴۲۴۳
۲۰۰۵	۷۸۸۸	۴۶۱۰
۲۰۰۶	۷۹۳۹	۴۸۶۳
۲۰۰۷	۷۹۱۷	۵۳۱۱
۲۰۰۸	۷۲۶۲	۵۸۷۳
۲۰۰۹	۵۱۷۳	۴۹۱۳
۲۰۱۰	۵۲۹۱	۴۳۶۱
۲۰۱۱	۵۸۰۰	۶۹۲۴
کل	۸۳۸۱۸	۵۴۱۴۱

Source: (Economic impacts of free zones in Turkey, Mehmet Emin kavlak, September 2012)

در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، نرخ رشد صادرات در مناطق آزاد تا پایان برنامه پنج‌ساله ششم توسعه کشور معادل ۳۰ درصد در سال تعیین شده است. صادرات قطعی مناطق آزاد حدود ۳۲۰ میلیون دلار و صادرات مجدد بالای ۲۵۰ میلیون دلار است و مجموع صادرات سال گذشته مناطق آزاد حدود ۵۸۰ میلیون دلار برآورد می‌شود و چنانچه صادرات از مرز شلمچه به این رقم افزوده شود، مجموع صادرات سال گذشته این مناطق به ۲ میلیارد و ۶۲ میلیون دلار می‌رسد. بیشترین سهم صادرات مناطق آزاد در دولت یازدهم مربوط به منطقه آزاد اروند است. این منطقه در سال ۱۳۹۲ به میزان ۴۴۵ میلیون دلار، در سال ۱۳۹۳ معادل یک میلیارد و ۷۵ میلیون دلار و در سال ۱۳۹۴ یک میلیارد و ۵۵۴ میلیون دلار صادرات را تجربه کرده است. وی صادرات مناطق آزاد را در دو دسته طبقه‌بندی کرد و گفت: یکی صادرات قطعی است که خود مناطق کالا تولید و صادر می‌کنند و دیگری صادرات مجدد است که حجم زیادی از کالاها از جاهای دیگر توسط فعالان اقتصادی خریداری و در منطقه آزاد با پردازش جزئی روی آن انجام می‌شود تا ارزش افزوده را بالا برده و در بازار خارج کشور عرضه کنند. در این دو بخش باید رشد سالانه ۳۰ درصدی را داشته باشیم.

حجم صادرات سالانه مناطق آزاد در سال‌های ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد صادرات کالاهای تولیدی در مناطق آزاد در این بازه زمانی (به غیر از سال‌های ۸۳، ۹۱ و ۹۲) روند افزایشی داشته و کاهش صادرات در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نیز ناشی از منفی شدن رشد اقتصادی و رکود بر کلیه بخش‌های اقتصادی کشور بوده است. معاون تولید و صادرات دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور آمار عملکرد مناطق آزاد در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۵ در مقایسه با مدت مشابه سال ۱۳۹۴ همچنان از رشد صادرات در بیشتر این مناطق خبر داده است. به‌عنوان نمونه در مدت گفته شده صادرات از منطقه آزاد کیش دارای رشدی ۳۶۰ درصدی، منطقه آزاد ماکو رشدی ۲۰۰ درصدی و منطقه آزاد انزلی رشد معادل ۱۷۰ درصدی داشته است.

بر اساس آمارهای موجود مناطق آزاد تجاری سه‌گانه ایران طی ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ تنها توانسته‌اند ۴۸۳ میلیون دلار درآمد ارزی کسب کنند که تنها ۸۳/۷ میلیون دلار آن از محل صادرات کالا به خارج از کشور بوده است. از این سهم منطقه آزاد چابهار ۱۲/۷ میلیون دلار، منطقه آزاد کیش حدود ۱۰۷ میلیون دلار و منطقه آزاد قشم حدود ۳۶۳ میلیون دلار بوده است. ارقام فوق بیانگر آن است که از مجموع صادرات کالا از مناطق آزاد تجاری کشور، منطقه آزاد قشم توانسته است تا ۹۵ درصد این میزان را به خود اختصاص دهد (دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد، ۱۳۸۲: ۴۲).

در خصوص ایفای نقش صادراتی نیز باید اذعان نمود که مناطق آزاد بر خلاف هدف مورد نظر برای تأسیس آن‌ها به سکوی واردات به کشور تبدیل شده‌اند. مطابق آمار دریافتی از شورای عالی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و ویژه اقتصادی، طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ میزان کل صادرات مناطق آزاد کشور حدود ۵۴۳۵۳ میلیارد ریال و از طرف دیگر، میزان واردات برابر ۳۲۶۹۳۱ میلیارد ریال بوده است. با مقایسه ارقام واردات و صادرات فوق می‌توان گفت که طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ میزان واردات مناطق ۹ برابر مقدار صادرات آن‌ها بوده است.

از جمله شاخص‌هایی که معمولاً در اکثر موارد توسط محققین به‌عنوان شاخص‌های ارزیابی موفقیت یک کشور یا منطقه در کسب رشد اقتصادی و جذب سرمایه و توسعه صادرات به کار گرفته می‌شود نسبت صادرات به واردات است زیرا به نظر می‌رسد رقم مطلق صادرات مناطق آزاد حاوی اطلاعات کافی برای بررسی عملکرد این مناطق از منظر توسعه صادرات نباشد. بدیهی است هر چه این نسبت از یک بزرگ‌تر باشد منطقه در پردازش صادرات موفق‌تر عمل کرده است و سکوی صادراتی نامیده می‌شود و بالعکس اگر این نسبت از یک کمتر باشد نشان دهنده مبدل شدن به سکویی برای واردات است. جدول زیر بیانگر این نسبت در دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۲ است.

جدول شماره ۷- - نسبت صادرات به واردات در مناطق آزاد در سال‌های ۹۲-۱۳۸۰ (میلیارد)

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
صادرات	۱۳۲	۱۵۵	۱۰۵۳	۲۳۲۴	۵۱۲۰	۵۴۲۴	۶۰۵۱	۵۰۳۵	۷۷۵۰	۱۰۴۰۲	۱۰۹۰۵	۳۹۴۴	۳۰۳۹
واردات	۵۳۱۹	۳۴۴۴	۲۷۴۲	۲۹۴۲	۱۷۶۷۷	۲۸۰۹۱	۳۲۹۵۴	۴۹۹۴۸	۴۸۳۸۰	۶۳۹۰۹	۷۱۵۲۵	۱۰۷۷۵	۴۱۳۰۲
نسبت صادرات به واردات (درصد)	۲/۴	۴/۵	۳۸	۷۹	۲۸	۱۹	۱۸	۱۰	۱۶	۱۶	۱۵	۳۶/۶	۷/۳

Source: (Statistics of the Supreme Council of Free Zones)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در هیچ یک از سال‌های مورد بررسی این نسبت بزرگ‌تر از یک نشده و در واقع این مناطق هرگز نتوانسته‌اند به یکی از اهداف مهم ایجاد مناطق آزاد یعنی توسعه صادرات دست یابند.

نتیجه‌گیری و ارائه راهبرد

مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی در دنیا عمدتاً با هدف توسعه صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی شکل گرفته‌اند. آمارها نشان می‌دهد که از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۴ در ایالات متحده آمریکا ۳۱۲ منطقه، در اروپا ۱۲ منطقه، در آفریقا ۱۲ منطقه، در خاورمیانه ۳۹ منطقه، در خاور دور ۱۲ منطقه و جمعاً ۹۳۵ منطقه آزاد در جهان تأسیس گردیده است. در یک دیدگاه، مناطق آزاد تجاری نوعی از مناطق آزاد اقتصادی محسوب می‌شوند. مناطق آزاد اقتصادی مناطق محصور برای تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی نظیر ایجاد اشتغال، توسعه اقتصاد منطقه‌ای، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات از طریق محرک‌های مالی و مزایای اجرایی و اقتصادی ویژه می‌باشند. در این مناطق برنامه‌های اقتصادی داخلی نظیر سیستم مالیاتی ملی و محدودیت‌های تجارت خارجی حاکم نیست. جریان آزاد کالا، سرمایه، خدمات و نیروی کار بین این مناطق و اقتصاد جهانی به‌عنوان برخی مشوق‌ها برقرار است. مناطق آزاد اقتصادی مناطقی با مزایای اقتصادی ویژه نظیر پرداخت مالیات‌های پایین‌تر هستند که در انواع مختلفی از قرن ۱۶ میلادی تشکیل شده‌اند. مزایای منطقه آزاد اقتصادی می‌تواند در ابعاد جغرافیایی مختلفی اعمال شود. این منطقه می‌تواند یک منطقه کوچک و یا صرفاً چند هکتار یا منطقه‌ای بزرگ به ابعاد هزاران کیلومتر باشد. همچنین می‌تواند داخل یک کشور یا در یک منطقه مرزی بین چند کشور قرار داشته باشد. این منطقه فقط برای تجارت آزاد استفاده نمی‌شود بلکه برای حمایت از اقتصاد داخلی در مقابل اثرات منفی اقتصاد جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس تعریف بانک جهانی، منطقه آزاد تجاری، قلمرو معینی است که غالباً در محدوده داخل یک بندر یا در مجاورت آن قرار گرفته و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده است. در دیدگاه دیگری مناطق آزاد تجاری جزئی از مناطق ویژه اقتصادی هستند. مطالعه تجربه سایر کشورها نشان می‌دهد که در اغلب کشورها در ابتدا منطقه ویژه اقتصادی به‌عنوان نوعی از مناطق آزاد اقتصادی شکل گرفته و در مراحل بعدی، منطقه آزاد تجاری یا منطقه پردازش صادراتی درون همین مناطق ویژه اقتصادی شروع به فعالیت نموده است. بنگاه‌های تولیدی مستقر در این مناطق با ابزارهای مختلفی تشویق به صادرات محصولات تولیدی خود به دیگر کشورها می‌شوند. به علاوه در برخی از کشورها بنگاه‌های تولیدی مستقر در مناطق آزاد اقتصادی ملزم و یا تشویق به استفاده از مواد اولیه مورد نیاز خود از داخل کشور می‌شوند. جذب سرمایه‌گذاری خارجی، واردات تکنولوژی و ماشین‌آلات مدرن خطوط تولید و بسته‌بندی، جذب دانش نوین مدیریت، استفاده از برندهای معتبر (ایجاد برندهای جدید) و دسترسی به بازارهای سایر کشورها، تولید کالاهای با کیفیت و با قیمت مناسب، ایجاد اشتغال، ایجاد ارزش افزوده، توسعه صادرات و کسب درآمدهای ارزی اهداف اصلی تأسیس مناطق آزاد تجاری و صنعتی به شمار می‌آیند. ایجاد زیرساخت‌ها و زیربناها در مناطق آزاد، برقراری تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های همکاری با سایر کشورها، صدور ویزاهای سرمایه‌گذاری، تجاری و توریستی، اعطای اقامت و پروانه‌های کار، انجام تبلیغات، بازاریابی و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت، برقراری تسهیلات و مشوق‌ها و معافیت‌ها و زمینه‌سازی برای توسعه صادرات از جمله وظایف اساسی دولت‌ها در رابطه با ایجاد مناطق آزاد است.

جدول شماره ۸- سهم سه منطقه (کیش، قشم و چابهار) در اهداف مناطق آزاد ایران

شرح	منطقه آزاد کیش		منطقه آزاد قشم		منطقه آزاد چابهار	
	ارزش	سهم به درصد در مناطق آزاد ایران	ارزش	سهم به درصد در مناطق آزاد ایران	ارزش	سهم به درصد در مناطق آزاد ایران
توسعه صادرات و کسب درآمد ارزی (میلیون دلار)	۳۰۰/۱۴۵	۱۴ درصد	۱۱۹۶/۳	۸۳ درصد	۳۸/۴۷۹	۳ درصد
هزینه‌های جاری و عمرانی (میلیارد ریال)	۳۸۷۲/۳	۵۳ درصد	۲۱۳۳/۵	۲۹/۷ درصد	۱۲۲۶	۱۷/۳ درصد
سرمایه‌گذاری داخلی (میلیون ریال)	۳۹۲۵	۴۳/۷ درصد	۴۱۳۹/۹۷	۴۶ درصد	۹۳/۳۲	۱۰/۳ درصد
سرمایه‌گذاری خارجی (میلیون دلار)	۱۶۴۷/۳	۵۷ درصد	۱۱۹۵/۳۸	۴۱ درصد	۵۸/۲	۲ درصد
درآمدهای عمومی (میلیارد ریال)	۴۳۷۵/۰۲	۵۴/۲ درصد	۳۳۲۵/۲	۲۹ درصد	۱۳۶۳/۸	۱۶/۹ درصد
تعداد مسافران داخلی و خارجی	۸/۳۴	۳۱/۶	۱۰/۰۷۹	۳۸ درصد	۷/۹۲۷	۳۰/۴ درصد

Source: (Statistics of the Supreme Council of Free Zones)

آمارها نشان می‌دهد که مناطق آزاد سه گانه کشور طی سال‌های اخیر ۱/۴۳۴ میلیارد دلار درآمد ارزی کسب کرده‌اند که ۱/۰۸۹ میلیون دلار آن از محل صدور کالا صورت پذیرفته است و جمعاً ۸۳ درصد آن مربوط به منطقه آزاد قشم است. صنایع مناطق آزاد باید با هدف تأمین مواد و قطعات مورد نیاز تولیدات منطقه و داخل کشور و در حد امکان صدور فرآورده‌های خود به بازارهای جهانی طراحی می‌شدند که این وضعیت عکس شرایط فعلی است. بدین صورت صنایع مستقر در مناطق آزاد عمدتاً بازارهای داخلی را هدف قرار داده‌اند. علاوه بر آن در این مناطق نسبت صادرات به واردات رقمی بسیار کمتر از اقتصاد داخلی است. از این رو می‌توان چنین استنباط نمود که سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی انجام یافته در مناطق به صورت کارا و با هدف توسعه صادرات به بازارهای جهانی نبوده و بیشتر به داخل توجه شده است تا خارج.

راهبردی که در این مقاله برای منطقه آزاد کیش پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی برای صادرات محور شدن این منطقه است. این راهبرد مبتنی است بر آسیب شناسی دقیق مسائل این منطقه. به جای این که عرصه اقتصادی این منطقه برای شرکت‌های خارجی آماده شود بایستی از شرکت‌های داخلی استفاده شود به نحوی که این شرکت‌ها ملزم شوند محصولات خود را از طریق این منطقه صادر کنند. از طرف دیگر باید با واردات محوری و حضور انفعالی شرکت‌های خارجی در این منطقه مبارزه شود. کیش باید به محل رقابت تولیدات داخلی با کالاهای خارجی و انتقال تکنولوژی‌های تولیدی به داخل تبدیل شود. باید طوری برنامه‌ریزی شود که کالاهای که توسط شرکت‌های خارجی به منطقه آزاد کیش وارد می‌شوند به کشورهای دیگر وارد شوند و یا از طرق معاملات تهاتر زمینه استفاده از شرکت‌های خارجی برای صادرات کالاهای ایرانی را فراهم آورد.

References

- Asa, P. R. and Jahed, M. 2012, factors in free trade – industrial, Singaporean journal of business economics and management studies Vol.1, no.5, 2012
- Foradori, P. and B. Malin, M. 2013, A WMD-Free Zone in the Middle East: Regional Perspectives, Project on Managing the Atom Belfer Center for Science and International Affairs John F. Kennedy School of Government Harvard University.
- Free Trade Zone and Port Hinterland Development, 2005, United Nations publication, Sales No. E.05.II.F.22

- Free Trade Zone Study, 2008, this research was prepared for Western Economic Western Economic Diversification Canada FTZ Diversification Canada
- GilaniNia, S. and Taleghani, M. Rafiasa, P. 2014, free zone and its importants in iran and the world, *Arabian Journal of Business and Management Review (Nigerian Chapter)* Vol. 1, No. 10, 2013.
- Guangwen, Meng, 2003, The Theory and Practice of Free Economic Zones: A Case Study of Tianjin, People's Republic of China, Submitted to the Combined Faculties for the Natural Sciences and for Mathematics of the Ruprecht-Karls University of Heidelberg, Germany for the Degree of Doctor of Natural Sciences
- Import Substitution Strategy of Economic development, 2000, www.nipfp.org.in/.../pdf/.../1.%20Import%20Substitution%20Strategy%20Of%20Eco.
- Marc Siroën J. and Yücer, A. 2014, Trade Performance of Free Trade Zones, Place du Maréchal de Lattre de Tassigny 75775
- National export development program, 2011, www.ghanaiandiaspora.com/wp/wp.../National-Export-Development-Strategy.pdf
- Ruigrok, W. (2000). Komplementaritaeten - eine neue Sichtweise beim organisatorischen 'fit'. *GDI Impuls* 2: 49-53.
- Sen, S. 2010, International Trade Theory and Policy: A Review of the Literature, Levy Economics Institute of Bard College, Working Paper No. 635.
- Hakimian, H. 2009, Iran's Free Trade and Special Economic Zones: Challenges and Opportunities, University of Southern California (USC), 18–19 September 2009.
- Helpman, E. 2012, international trade in historical perspective, Harvard University and CIFAR.
- Hveem, Helge (2000): "Explaining the Regional Phenomenon in an Era of Globalisation", in Stubbs, R. & Underhill, G. (eds): "Political Economy and the Changing Global Order", Oxford: Oxford University Press.
- Jayasuriya, K. (1994). Singapore: The Politics of Regional Defintion. In: *The Pacific Review*, 7, 7, pp. 411–420.
- Rasagam, G, Zhihua Zeng, D. 2014, Free Trade Zones – Learning From Global Experiences, AFDC "FTZ Seminar" Shanghai, June 2014
- The History and Future of International Trade, 2016, https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/historywto_e.pdf
- Tussie, D. (2000). The Coordination of Latin American Debtors: Is there a Logic behind the Story IN: Griffith-Jones, S. (ed.) *Managing World Debt*. Hertfordshire: Harvester Wheatsheaf
- Woods, N. (2000). Making the IMF and World Bank more accountable. *International Affairs* 77(1), pp. 83-100
- <http://unctad.org/en/Pages/Home.aspx>
- <http://www.freezones.ir/>